

## نگاهی به مهاجرت روستایی در ایران

سید محمد موسوی،\* مهدی گنجیان\*\*

### چکیده

هدف مقاله حاضر مروری بر دیدگاهها و اندیشه‌های معاصر در زمینه مهاجرت است، و به اجمال به ارزیابی نکات سه گانه زیر می‌پردازد: ۱. نقش اقدامات عمرانی و سیاستهای توسعه روستایی در روند مهاجرت‌های روستا - شهری یا مهاجرت‌های روستاییان به شهرها؛ ۲. شدت و اهمیت مهاجرت‌های روستا - شهری؛ ۳. وجود نوعی پیش‌داوری درباره مهاجرت در کل کشور که علاوه بر قائل بودن منشأ روستایی برای مهاجرت‌ها آن را دارای آثار منفی بر جمعیت شهرها، عامل تخلیه روستاها و ایجاد رکود در بخش کشاورزی و فرآورده‌های زراعی و دامی می‌داند. سرفصلهای اصلی مقاله شامل نظریات موجود درباره علل و انگیزه‌های مهاجرت، و ریشه‌های کاهش جمعیت روستایی است که در نهایت نتایج زیر از مباحث مطروحه به دست می‌آید: تغییر و تحولات توسعه‌ای در کل کشور موجب تشدید ارتباطات و جابه‌جایی جمعیتی در کل کشور شده است، عوامل ایجادکننده مهاجرت عمدتاً عدم تعادل سرمایه‌گذاریها در شهر و روستا است؛ مهاجرت روستایی در نفس خود پدیده‌ای منفی نیست؛ و منابع کاهش جمعیت روستایی تنها در حوزه‌های روستایی نیست، بلکه تغییر تعاریف و بدل کردن نقاط روستایی به شهر و ادغام آبادیها در شهرها نیز نقش مهمی در این امر دارند.

### کلیدواژه

مهاجرت روستایی، جمعیت روستایی، شهرها، روستاها، جامعه روستایی، تخلیه روستاها.

\* کارشناس ارشد و عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقاتی جهاد کشاورزی

\*\* کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی و عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقاتی جهاد کشاورزی

## ۱- مقدمه

مهاجرت یکی از ابعاد مهم فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی به شمار می‌آید و جابه‌جایی بی‌سابقه انسانها در درون مرزهای یک کشور، جزو بزرگ‌ترین تغییرات قرن بیستم است.

سیاستگذاران کشورهای جهان سوم مهاجرت‌های داخلی را از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روند توسعه می‌دانند و معتقدند که شناخت عوامل و آثار مهاجرت‌های داخلی به منظور اتخاذ سیاست‌هایی جهت کنار آمدن با تنش‌های ناشی از این مهاجرت‌ها ضرورت دارد و می‌تواند مهاجرت‌های بالقوه را مهار کند.

در ایران نیز مقوله مهاجرت داخلی و به‌ویژه مهاجرت‌های روستا - شهری چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین مسائلی بوده است که همواره ذهن سیاستگذاران و برنامه‌ریزان مملکتی را به خود مشغول داشته است.

نظام استقرار و الگوی پراکندگی جمعیت در نقاط شهری و روستایی کشور حاکی از آن است که بین توزیع منابع و امکانات از یک سو و توزیع جمعیت از سوی دیگر تناسبی وجود ندارد. بروز سه تحول عمده طی ۳۵ سال اخیر موجب شده است جابه‌جایی‌های جمعیتی از اهمیتی بیش از پیش برخوردار شود و به این عدم تناسب دامن زند. این سه تحول شامل اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲ ه. ش و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ه. ش و نیز جنگ تحمیلی در فاصله سالهای ۱۳۵۹ ه. ش تا ۱۳۶۷ ه. ش می‌شود. بر اثر این تحولات، روند تخلیه روستاهای کوچک و جذب جمعیت آنها در روستاهای بزرگ‌تر، روستاهای مجاور شهرها و خود شهرها شدت بیشتری گرفت. نسبت جمعیت روستایی که در سرشماری سال ۱۳۳۵ ه. ش، ۶۸/۶ درصد بود، در سال ۱۳۷۵ ه. ش به ۳۸/۳ درصد رسید. در این میان مهاجرت اجباری ناشی از جنگ تحمیلی نیز موجب جابه‌جایی جمعیت از مناطق جنوب و غرب کشور به سایر نقاط گردید که بخش عمده آن در شهرها استقرار یافتند. در این زمینه توجه به سه نکته دارای اهمیت است:

نخست، جهاد سازندگی به مثابه یکی از مهم‌ترین نهادهای متولی پیشبرد و هدایت اقدامات عمرانی و اجرای سیاست‌های توسعه روستایی (در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی)،

همواره در روند مهاجرت‌های روستا - شهری نقش مؤثری داشته و برخی بر این باورند که وجود و تداوم پدیده مهاجرت روستا - شهری نتیجه عملکرد جهاد سازندگی در روستاها بوده است. دوم، بعد دیگر مبحث شدت و اهمیت مهاجرت‌های روستا - شهری طی سالهای اخیر است. معمولاً در بحث درباره حرکات جمعیتی، منظور از مهاجرت، مهاجرت روستاییان به شهرها است، حال آنکه باید توجه داشت که مهاجرت‌های داخلی به جزء دسته مذکور، شامل مهاجرت روستا به روستا، شهر به روستا، و شهر به شهر نیز هست. لذا می‌بایست همواره حجم مهاجرت‌های روستا - شهری را نسبت به سایر انواع مهاجرت در نظر داشت و هرگونه قضاوتی را با توجه به این معنا انجام داد.

سوم، نکته دیگری که در این باره حائز اهمیت است وجود نوعی پیش‌داوری و قضاوت ارزشی درباره مهاجرت روستاییان به شهرهاست، بدین معنا که بسیاری از مردم عادی، صاحب‌نظران و تصمیم‌گیران این‌گونه مهاجرت‌ها را دارای تأثیرات منفی بر روی شهر و زندگی شهری می‌دانند و از سوی دیگر، به دلیل تخلیه روستاها از نیروی کار فعال، آن را موجب ایجاد رکود در بخش کشاورزی و تولیدات زراعی و دامی می‌دانند که، این امر نیز در نهایت موجب ایجاد اختلال و مشکلات در شهرها که مراکز تصمیم‌گیرهای کلان سیاسی و اقتصادی و پایگاه قدرت هستند، می‌شود.

این گزارش با وجود محدودیت‌های اطلاعاتی و آماری در این زمینه، در پی آن است که با مرور دیدگاه‌ها و اندیشه‌های معاصر در زمینه مهاجرت، به اجمال به ارزیابی نکات فوق‌الذکر بپردازد.

**۲- نگاهی به برخی از مهم‌ترین نظریات درباره علل و انگیزه‌های مهاجرت**  
دیدگاه‌های اندیشمندان و صاحب‌نظران در این زمینه را می‌توان به چهار دسته عمده تقسیم‌بندی کرد که به اختصار معرفی می‌شوند:

## ۲-۱- نظریات کلاسیک

در چارچوب نظریات کلاسیک، مهاجرت عمدتاً از بطن تصمیم‌گیری فردی مورد تجزیه و

تحلیل قرار می‌گیرد. در چنین زمینه‌ای، مهاجرت هزینه‌هایی (اعم از اقتصادی، اجتماعی و روانی) به دنبال دارد، ولی در عین حال جریانی از منافع اقتصادی را نیز ایجاد می‌کند. هدف فرد، به حداکثر رساندن تفاوت میان ارزش فعلی منافع حاصل از مهاجرت و هزینه‌های آن است. رهیافت کلاسیک مبتنی بر اطلاعات دربارهٔ انگیزه‌های شخصی و نحوهٔ واکنش خانواده‌ها به قیمت‌هاست. این امر برای مداخلهٔ سیاستگذاران در سطح فردی یا خانوادگی مفید است، اما تحرکات جغرافیایی ناشی از بیکاری را که جهت تطبیق با وضعیت اشتغال صورت می‌گیرد، نمی‌توان با مداخله در سطح واحد تصمیم‌گیری فردی مورد توجه قرار داد، زیرا بیکاری و نتیجهٔ تبعی آن یعنی مهاجرت، تنها قابل اسناد به رفتار افراد یا خانواده‌ها نیست. سیاستگذاری در امر مهاجرت مستلزم آن است که عوامل مهاجرت را در سطح تحلیلی مناسبی شناسایی کنیم.<sup>۱</sup>

## ۲-۲- نظریات مارکسیستی

مهاجرت در چارچوب نظریه‌های مارکسیستی در بطن شیوه‌های گوناگون تولید که سازمان اجتماعی هر کشور را تشکیل می‌دهند، تحلیل می‌شود. مفهوم شیوهٔ تولید در مارکسیسم، محدود به فن‌آوری تولید نیست، بلکه عناصر کل مجموعهٔ روابط تولید، توزیع، مبادله و مصرف را که در چارچوب آن تصمیم‌های مربوط به «تابع تولید» اتخاذ می‌شوند، دربرمی‌گیرد. لذا این مفهوم در مارکسیسم شامل نهادها، سازوکارهای قانونی و اداری، ایدئولوژی سیاسی، و خصوصیت دولت می‌شود. این مفهوم شیوه‌های خاص (مربوط به یک دورهٔ تاریخی مشخص در روند توسعهٔ یک کشور یا منطقه) و عام (انتزاعی) رفع نیازهای مادی مردم را در مرحلهٔ خاصی از توسعهٔ یک کشور مطرح می‌سازد. برخی از عناصر شیوهٔ خاص تولید توسط مشاهدات تجربی قابل آزمون هستند، اما ویژگیهای شیوهٔ عام تولید، فقط به‌طور عقلی و استدلالی قابل دستیابی است و نمی‌توان آنها را در معرض بررسیهای تجربی قرار داد. بنابراین مفهوم شیوهٔ تولید دربرگیرندهٔ یک عنصر همزمانی<sup>(۱)</sup> است که روابط گوناگون را در یک سازمان

اجتماعی (مركب از چندین شیوه تولید که به طور هم‌زمان وجود دارند) بیان می‌کند و نیز شامل یک عنصر در زمانی<sup>(۱)</sup> است که از طریق آن تناقضهای میان شیوه‌های گوناگون تولید منجر به تغییرات ساختاری یا تغییر شکل در یک سازمان اجتماعی می‌شود. شیوه‌های گوناگون تولید در هر سازمان اجتماعی که دستخوش تغییرات سریع است، با هم پیوستگی دارند.

در چنین پیوندی شیوه سرمایه‌داری تولید مسلط می‌شود و شیوه‌های قدیمی را به کنار می‌زند. این فرایند بر نیروی انسانی در روستاها تأثیر می‌گذارد و مهاجرت نمایانگر چنین تغییراتی است، بدین ترتیب که روابط سرمایه‌داری تولید کشاورزی به افزایش پولی شدن اقتصاد روستایی و اضمحلال بنیانهای مادی اکثریت دهقانان می‌انجامد که موجب مهاجرت روستاییان به بخشهای شهری و صنعتی و خدماتی می‌شود. رفتار بیشتر مهاجران مبتنی بر به حداکثر رساندن منافع و نوعی تطابق فرد با نیروهایی است که نظام اجتماعی - اقتصادی را تغییر می‌دهند و آنان کنترلی بر این نیروها ندارند. یکی از محدود متغیرهایی که قابل کنترل است نیروی انسانی است که از طریق مهاجرت با این تغییرات ساختاری تطابق پیدا می‌کند. هرچند الگوها و نتایج مهاجرت برای هر یک از طبقات متفاوت است، علت مهاجرت ریشه در پیوند شیوه‌های گوناگون تولید دارد (Chatterjee, 1983, 105-123).

مزیت تحلیل مارکسیستی این است که فرایندهای ساختاری در آن بهتر تحلیل می‌شوند. بیکاری یک مشکل ساختاری است و نشانگر اختلاف میان عرضه و تقاضای نیروی انسانی است که هم‌زمان با تغییر در شیوه تولید یک نظام حادث می‌شود. ضعف این دیدگاه نادیده گرفتن برخی اطلاعات و سوء برداشت از برخی رفتارهای انسانی است. کارگران در مقابل تفاوت دستمزدها و احتمال یافتن شغل واکنش نشان می‌دهند و مصرف‌کنندگان در مقابل قیمت‌ها و سهولت دسترسی به کالاها، این رفتارها از مقولات متعارف هستند؛ یعنی بین چند شیوه تولید مشترک‌اند. تمایل به افزایش درآمد، میل هر فرد به داشتن مسکن شخصی، و داشتن ظاهری آراسته، منحصر به سرمایه‌داری نیست و ریشه آنها در نیازهای انسان نهفته است. از اشتباهات اساسی مارکسیسم، نادیده‌انگاشتن این نیازها و طرح برنامه‌ریزی سوسیالیستی بدون

دخالت دادن تصمیمات مبنی بر به حداکثر رساندن منافع در سطح خرد و در طی زمان و مکان بود (Howard and King, 1975).

### ۲-۳- رهیافت سیستمی

«نظریه عمومی سیستمها» در معنای وسیع خود به مجموعه‌ای از مفاهیم، اصول، ابزارها و روشهای کلی اشاره دارد که با هر سیستمی همراه‌اند. به این ترتیب، این رویکرد نه یک نظریه در معنای رایج آن، بلکه یک حوزه مطالعاتی است. «سیستم» نیز عبارت است از مجموعه‌ای از عناصری که ارتباط آنها به گونه‌ای است که یک واحد یا کلیت اندام‌وار را تشکیل می‌دهند. اصطلاح نظریه عمومی سیستمها نخستین بار توسط لودویک فون برتالانفی، زیست‌شناس اتریشی، در اوایل دهه ۱۹۳۰ میلادی مطرح شد (George G. Klir, 1985).

مهاجرت نیز سیستمی اجتماعی - فرهنگی و دارای خواص سیستمهای باز است (کوششی، ۱۳۶۹، ۱۴). سیستم باز، سیستمی است که با تبادل ماده و انرژی با محیط می‌تواند به حیات خویش تداوم بخشد. در مقابل، سیستمهای بسته با محیط خود قطع ارتباط کرده‌اند (فرشاد، ۱۳۶۲، ۶۱).

یکی از صاحب‌نظرانی که مهاجرت را در قالب رهیافت سیستمی مورد بحث قرار داده است اکین ال. مابوگنجی<sup>(۱)</sup>، جغرافی‌دان نیجریه‌ای، است. وی مهاجرت را فرایندی فضایی می‌داند که عوامل پویا و تأثیرات فضایی آن باید بخشی از هرگونه ادراک جامع پدیده را دربرداشته باشد. به گمان او، چنین درکی در چارچوب نظریه عمومی سیستمها بهتر صورت می‌گیرد.

یکی از کارهای اصلی درک پدیده به مثابه یک سیستم، تشخیص اجزای اصلی متعامل، و خصوصیات و روابط آنهاست. بدین ترتیب، روشن می‌شود که سیستم نه در خلأ، بلکه در محیطی خاص کار می‌کند. بنابراین سیستم با محیطش، دنیایی از پدیده‌ها را که مربوط به زمینه‌ای معین است، تشکیل می‌دهد.

از لحاظ نظری، نواحی دورافتاده یا روستاهای خودبسا احتمال تجربه مهاجرت روستا -

(1) Akin L. Mabogunje

شهری را ندارند. این واقعیت که امروزه چنین جابه‌جایی‌هایی بخشهای بسیاری از جهان را دربرگرفته است، بدین معناست که نواحی روستایی دیگر منزوی یا خودبسا نیستند، بلکه با افزایش راهها و جاده‌ها، توسعه وسایل حمل‌ونقل و ارتباطات و نیز ادغام اقتصاد روستایی در اقتصاد ملی، وابستگی آنها به شهرها بیشتر شده است. کاهش انزوا به معنای ادغام فرهنگی و اجتماعی روستاها و شهرها نیز هست، به طوری که سطح انتظارات در دو ناحیه شروع به هم‌گرایی به سوی یک هنجار ملی می‌کند. روستاییان برای به دست آوردن کالاها و خدمات شهری، ناچارند کالای کشاورزی بیشتری تولید کنند و وارد یک رابطه مبادله با شهر شوند.

در چنین محیطی است که سیستم مهاجرت روستا - شهری عمل می‌کند. این محیط همواره در حال تغییر است و این تغییرات بر کار سیستم تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، برای اینکه یک نظریه مهاجرت روستا - شهری مفید باشد، باید جنبه‌های پویای امر را در نظر داشته باشد.

در چارچوب سیستمها، نه تنها مهاجران، بلکه نهادهای مختلف (خرده‌سیستمها) و دیگر روابط اجتماعی - اقتصادی و سازوکارهای سازگاری که بخشی از فرایند انتقال مهاجران است، مورد توجه قرار می‌گیرند. مهم‌ترین خرده‌سیستمها، خرده‌سیستمهای کنترل روستایی و شهری هستند. خرده‌سیستم کنترل آن است که بر کار کل سیستم نظارت می‌کند و زمان و چگونگی میزان جریان را در سیستم کم یا زیاد می‌کند. در مناطق روستایی یکی از خرده‌سیستمهای کنترل، خانواده است. در ابتدا، خانواده است که مهاجران بالقوه را تا هنگام بلوغ، از حرکت باز می‌دارد. جمعیت، مناطق، متأهل یا مجرد بودن، نقش هریک از دو جنس در فعالیت کشاورزی، سن ازدواج و استقلال اقتصادی از خانواده، از عوامل مهم تعیین‌کننده مهاجرت افراد هستند که به خانواده مربوط می‌شوند.

جامعه روستایی نیز به‌مثابه یک خرده‌سیستم کنترل عمل می‌کند. این کنترل غالباً مستقیم نیست. اجتماع روستایی‌ای که می‌کوشد وضعیت اقتصادی خود را از طریق کشاورزی بهبود بخشد، ممکن است دست‌کم در کوتاه‌مدت مانع مهاجرت دائم شود، اما اجتماع روستایی‌ای که بر پیشرفت اجتماعی از طریق تحصیلات تأکید دارد ممکن است ناخواسته مهاجرت به شهر را تشویق کند.

خرده‌سیستم کنترل شهری برای تشویق یا بازداشتن مهاجران در جذب به محیط شهری عمل می‌کند. جذب در این سطح دو نوع است: سکونت و شغلی. سیستم شهری می‌تواند دسترسی به مسکن نسبتاً ارزان را که انتقال مهاجر روستایی را تسهیل می‌کند، تضمین کند. اطمینان مهاجر از یافتن شغل در شهر نیز عامل مهمی در تصمیم وی به مهاجرت است.

تصمیم مهاجران به حرکت، سازوکار سازگاری را به دنبال دارد. در روستا، این سازوکار باید طوری عمل کند که به افزایش درآمد در اجتماع بینجامد. حداقل از لحاظ نظری، نبود یکی از واحدهای تولیدی در روستا باید به افزایش قدرت تولیدی موجود واحدهای باقی‌مانده منجر شود. در غیر این صورت، چنین فقدانهایی به کاهش تولید و قحطی خواهد انجامید. در نواحی شهری، بخشی از فرایند سازگاری، احساس تعلق مشترک به یک یا چند مجموعه از گروههای شهری است که با یکدیگر کنش متقابل دارند.

یکی از جاذبه‌های اصلی این رهیافت این است که مهاجرت روستا - شهری را نه به مثابه یک حرکت خطی یک‌جهتی، رانشی - کششی یا علت و معلولی، بلکه به مثابه یک حرکت دوری با وابستگی متقابل و پیچیده مورد نظر قرار می‌دهد که در آن، تغییرات در هر قسمت می‌تواند بر کل سیستم تأثیر بگذارد.<sup>۲</sup>

بررسی پدیده مهاجرت از نظرگاه مکتب کارکردگرایی که از دیدگاههای اصلی جامعه‌شناسی در سالیان اخیر بوده است و اساس تحلیلهای کارکردی آن نیز با اتکا به نظریه سیستمی صورت می‌گیرد نیز خالی از فایده نیست.

براساس این دیدگاه، هرگونه تغییری که در جامعه روی می‌دهد در جهت تعادل و هماهنگی است. از این رو، مهاجرت نیز در اصل نوعی تغییر است که در جامعه روی می‌دهد و در جهت ایجاد تعادل در سیستم اجتماعی است. در یک سیستم اجتماعی، بر طبق اصل عمل و عکس‌العمل، هر تغییری در جامعه با تغییری دیگر در نیروی محرکه که با آن برابر ولی در جهت مخالف است، متعادل می‌گردد و شرط لازم برای دوام و بقای نظام اجتماعی وجود یگانگی و تعادل است.

بنابراین می‌توان گفت که مهاجرت در این دیدگاه، تغییری است که در جهت بقا و تعادل نظام



اجتماعی صورت می‌گیرد. در واقع مهاجرت یک سازوکار برقرارکننده تعادل است که دارای عملکرد مثبت در جهت حفظ و بقای اجتماعی است. به‌طور خلاصه، مهاجرت تغییری است که به علت نبود تعادل اجتماعی-اقتصادی در مناطق مختلف صورت می‌گیرد. البته این تغییر در جهت ایجاد تعادلی جدید و آن هم در سطحی بالاتر که کارکرد مثبت دارد، حادث می‌شود.

#### ۲-۴- رهیافت معیشتی

رهیافت معیشتی درباره مهاجرت در واقع پاسخ انتقادی به نظریه‌های رایج مهاجرت اعم از نظریه‌های خرد و کلان است. بر این مبنا، در نظر گرفتن مهاجرت به منزله رفتاری منطقی که جنبه فردی دارد و یا به منزله پدیده‌ای که متأثر از تغییر و تحولات کلان اقتصادی است، خالی از اشکال نیست. صاحب‌نظران این رهیافت معتقدند که در پدیده مهاجرت ما با انسانهایی سروکار داریم که در تجزیه و تحلیل همه‌جانبه از وضعیت موجود خویش، مهاجرت را به مثابه راهبردی جهت بقا و استمرار معیشت خود انتخاب می‌کنند (C. McPowell, 1997). ریشه‌های این نوع مهاجرت را نیز در ادوار گذشته، در حرکات عشایر و نیز مهاجرت‌های فصلی می‌توان جست‌وجو کرد؛ بنابراین مهاجرت به‌هیچ‌وجه پدیده‌ای جدید و حاصل توسعه به معنای خاص آن نیست. مسئله دیگر اینکه در این دیدگاه به مهاجرت به چشم پدیده‌ای منفی و تبعی نگریسته نمی‌شود که مقابله با آن ضروری باشد، بلکه توجه به این نکته معطوف می‌گردد که می‌بایست ریشه‌های پدیدآورنده این انتخاب را جست‌وجو کرد و در فکر چاره‌جویی برای آن برآمد.

در برداشتی کلی از مباحث نظری مطرح‌شده در بالا و صرف‌نظر از دیدگاه‌های کلی که در پشت هر یک از این نظریات وجود دارد، می‌توانیم بگوییم مهاجرت از روستا به شهر فرایندی است متأثر از عوامل متعدد، از جمله تغییر در مناسبات تولیدی در اثر تغییرات در فن‌آوری و تناقضهای پیامد آن؛ به‌طوری که مازاد نیروی کار (که هم‌زمان با شکاف فرهنگی ناشی سرعت تغییرات، ناتوان از کنترل سریع رشد جمعیت است) را به‌ناچار روانه شهرها می‌کند. از سوی دیگر، عدم برابری و توازن امکانات بین شهر و روستا تعادل موجود را برهم می‌زند و افزایش

ارتباطات و اطلاعات ناشی از رشد فن آوری موجب آگاهی روزافزون روستاییان از وضعیت خود در مقایسه با دیگر نقاط به ویژه شهرها می شود که بالطبع مهاجرت را به مثابه یک سازوکار متعادل کننده در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، چنانچه نگاهی انسانی و همدلانه به این پدیده بیفکنیم، درمی یابیم که هر سرپرست خانوار به دنبال تأمین معیشت مطلوب خانواده خود است و اگر احساس کند با ماندن در روستا این وضعیت دوام و استمرار دارد، قاعدتاً تصمیم به مهاجرت نخواهد گرفت. از این رو، برای یک خانوار روستایی مهاجرت در برهه ای از زمان به منزله یک راهبرد بقا و راهکاری جهت استمرار معیشت در نظر گرفته می شود.

در ادامه این بحث، با توجه به دیدگاههای نظری گفته شده، در پی آن هستیم که بدانیم سهم مهاجرت از روستا به شهر چه میزان از تغییر در نسبت جمعیت روستایی را تشکیل می دهد و نیز ریشه های این تغییر در کجا نهفته است.

### ۳- ریشه های کاهش جمعیت روستایی

عموماً وقتی از جمعیت روستایی سخن به میان می آید، چند تصور و پیش فرض قالب مطرح می گردد. این تصورات و پیش فرضها عبارت اند از:

- رشد جمعیت در روستا بیشتر از شهرهاست؛
  - سهم جمعیت روستایی در مقایسه با جمعیت شهری در حال کاهش است؛
  - علت اصلی این کاهش، مهاجرت روستاییان به شهرهاست.
- سخن ما بر مبنای استدلالهایی که به دنبال می آید، این است که مهاجرت روستا - شهری تنها یکی از چند عامل در پدید آمدن این تغییر در سهم جمعیت روستا و شهر است. مهم ترین عوامل مؤثر در کاهش جمعیت روستایی عبارت است از:
- ادغام نقاط روستایی در شهرها؛
  - تبدیل روستاهای بزرگ به شهر؛
  - تغییر در تعاریف سرشماری و تأثیرات آن؛
  - مهاجرت روستا به شهر.

در ادامه، به بررسی تک‌تک عوامل یادشده و تحلیل تأثیر هریک از این عوامل در کاهش سهم جمعیت روستایی می‌پردازیم.

### ۱-۳- ادغام نقاط روستایی در شهرها

یکی از اتفاقاتی که به صورت بطئی و بی‌سروصدا بین دو سرشماری رخ می‌دهد و کمتر نیز بدان توجه می‌شود، هضم و جذب روستاهای واقع در حاشیه شهرها در بطن شهرهاست. در واقع با توسعه شهرنشینی، چه به دلیل مهاجرپذیری و چه به دلیل افزایش طبیعی جمعیت، قلمرو شهرها به طور دائم در حال گسترش است و روستاهایی که در نزدیکی شهرها واقع شده‌اند، با گسترش محدوده شهرها، خواه‌ناخواه به جزئی از شهر تبدیل می‌شوند. گواه این مدعا محلات گوناگونی در گوشه و کنار شهر تهران است که هنوز هم به اسامی دوران روستا بودن خود خوانده می‌شوند و مشابه آنها در شهرهایی چون اصفهان، مشهد، شیراز و... به وفور یافت می‌شود. اگرچه در بسیاری از موارد، این روستاها ماهیت روستایی خود را به سرعت از دست نمی‌دهند، به لحاظ تقسیم‌بندی اداری و در سرشماریها جزو شهر محسوب می‌شوند. نکته جالب توجه دیگر درباره این دسته از آبادیها آن است که با ادغام آنها در شهر، به یک‌باره نام آنها از سرشماریهای بعدی حذف می‌گردد، بدون اینکه به علت نبود آنها اشاره‌ای شود. مسئله هنگامی پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم امکان تفکیک این آبادیها از آبادیهایی که به دلیل فقدان جمعیت یا مهاجرت جمعیت از بین رفته‌اند نیز عملاً وجود ندارد. خوشبختانه امکانات فراهم شده در «بانک اطلاعات فرهنگ ده‌های ایران»<sup>۳</sup> به ما این امکان را می‌دهد که تاحدودی تکلیف این آبادیها را با مسئله ادغام روشن کنیم و میزان تأثیر این عامل بر کاهش جمعیت روستایی را بسنجیم. بررسی اطلاعات فرهنگ ده‌های ایران در دو دوره پنج ساله ۱۳۶۵-۱۳۷۰ و نیز ۱۳۷۵-۱۳۷۰ ه. ش نشان می‌دهد که در مجموع این دو دوره، ۱۶۳۰۱ آبادی که در دوره قبلی گزارش شده‌اند، اصولاً در سرشماری بعدی نامی از آنها برده نشده است که از این تعداد، ۳۳۴۱ آبادی دارای جمعیت بوده‌اند و در مجموع ۸۹۱۱۱۸ نفر نیز جمعیت داشته‌اند. توزیع این آبادیها به تفکیک طبقات جمعیتی آنها نشان می‌دهد ۴۱ درصد از این روستاها دارای جمعیتی کمتر از ۲۰ خانوار بوده‌اند

در حالیکه تنها یک درصد از جمعیت کاسته شده روستایی در این قالب را تشکیل می دهند. این در حالی است که آبادیهای دارای بیش از ۱۰۰ خانوار که ۲۶ درصد از کل آبادیهای کاسته شده را تشکیل می دهند، نزدیک به ۹۳ درصد از جمعیت کاسته شده را در خود داشته اند. و از آنجا که احتمال از بین رفتن آبادیهایی با جمعیت بالای ۱۰۰ خانوار در فاصله زمانی ۵ ساله بعید به نظر می رسد، به احتمال زیاد سهم عمده جمعیت کاسته شده (۹۳ درصد) در آن دسته از آبادیهایی قرار می گیرند که به دلیل مجاورت با شهرهای کوچک و بزرگ در آنها ادغام گردیده اند (جدول ۱).

جدول ۱: اطلاعات آبادیهایی که در دوره های سرشماری ۶۵-۷۰ و ۷۵-۷۰ ش. گزارش نشده اند

دوره	جمعیت	آبادی	کل گزارش نشده		گزارش نشده دارای جمعیت		کمتر از ۲۰ خانوار		۲۰ تا ۵۰ خانوار		بیش از ۱۰۰ خانوار		
			تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
دوره ۶۵-۷۰	آبادی	۵۱۰۶	-	۱۳۳۶	۱۰۰	۵۲۶	۴۰	۲۹۳	۲۲	۱۹۵	۱۴	۳۲۲	۲۴
	جمعیت	۲۰۹۳۹۱	-	۲۰۹۳۹۱	۱۰۰	۳۶۶۵	۲	۹۴۶۵	۴	۱۳۷۰	۷	۱۸۲۴۳۱	۸۱
دوره ۷۰-۷۵	آبادی	۱۱۱۹۵	-	۲۰۰۵	۱۰۰	۸۶۰	۴۳	۳۹۰	۱۹	۲۲۹	۱۱	۵۵۱	۲۷
	جمعیت	۶۸۱۷۲۷	-	۶۸۱۷۲۷	۱۰۰	۷۵۴۷	۱	۱۲۲۲۹	۲	۱۶۰۲۳	۲	۶۳۶۹۹۸	۹۵
جمع	آبادی	۱۶۳۰۱	-	۳۳۴۱	۱۰۰	۱۳۸۶	۴۱	۶۸۳	۲۰	۴۲۴	۱۳	۸۷۳	۲۶
	جمعیت	۸۹۱۱۱۸	-	۸۹۱۱۱۸	۱۰۰	۱۲۲۱۲	۱	۲۱۹۶۴	۲	۲۹۶۹۳	۴	۸۲۹۴۲۹	۹۳

مأخذ: بانک اطلاعات رایانه ای فرهنگ ده های ایران

### ۲-۳- تبدیل روستاها به شهر

در کل کشور روستاهای زیادی وجود دارد که به دلیل قرارگرفتن در شرایط اقتصادی،

اجتماعی و جغرافیایی خاص ظرفیت رشد مناسبی دارند، علاوه بر حفظ جمعیت روستایی خود، به طور بالقوه توان جذب مهاجران را نیز دارند، در طول زمان نرخ رشد جمعیت آنها بالا بوده است، به تدریج به آستانه‌های جمعیتی لازم جهت برخورداری از خدمات شهری رسیده‌اند، و روندهای قانونی تبدیل شدن به شهر را طی کرده‌اند.

این دسته از روستاها نیز اگرچه همچنان ماهیتی روستایی دارند و بر معیشت کشاورزی به مثابه وجه غالب فعالیت خود متکی هستند، به لحاظ تقسیم‌بندیهای اداری از گردونه جمعیت روستایی خارج می‌شوند. این تعداد از روستاها نیز به نوبه خود سهمی از جمعیت کاسته شده از روستاها را طی هر دوره سرشماری به خود اختصاص می‌دهند.

بررسی اطلاعات موجود در فرهنگ ده‌های ایران نشان می‌دهد که در فاصله سالهای ۶۵-۷۰ ه. ش و ۷۰-۷۵ ه. ش به ترتیب ۷۸ و ۷۳ نقطه روستایی به شهر تبدیل شده است. چنانچه مجموع جمعیت این ۱۵۰ نقطه روستایی تبدیل به شهر شده را در سالهای ۷۰ و ۷۵ در نظر بگیریم، نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر از جمعیت روستایی کشور در فاصله سالهای ۶۵ تا ۷۰ از جمعیت روستایی کشور کاسته شده و به جمعیت شهری اضافه شده است که در مجموع ۶/۴ درصد از جمعیت روستایی طی دوره ۶۵-۷۰ و ۷۰-۷۵ کاسته شده است. به رغم اینکه سهم عمده‌ای از جمعیت روستایی کشور در این قالب و در هر دوره سرشماری از گردونه جمعیت روستایی خارج می‌گردد - که بر این اساس مهاجرت روستا به شهر نقشی در آن ندارد - ولی درباره سهم این عامل در کاهش جمعیت روستایی کمتر بحث می‌شود (جدول ۲).

جدول ۲: اطلاعات آبادیهایی که در فاصله سالهای ۶۵-۷۰ و ۷۰-۷۵

تبدیل به شهر شده‌اند

دوره زمانی	تعداد	جمعیت این روستاها در ۶۵	جمعیت این روستاها در ۷۰	جمعیت این روستاها در ۷۵	کل جمعیت روستایی ۷۵	درصد جمعیت روستایی
۶۵-۷۰	۸۷	۷۲۸۰۸۶	۸۸۹۹۵۴	-	۲۳۶۳۶۵۹۱	۲/۸
۷۰-۷۵	۸۳	-	۳۷۵۰۷۱	۵۹۶۶۸۳	۲۳۰۲۶۲۹۳	۲/۶

مأخذ: بانک اطلاعات رایانه‌ای فرهنگ ده‌های ایران

## ۳-۳- تغییر در تعاریف سرشماری و تأثیرات آن

به‌رغم اهمیتی که جامعه شهری و روستایی دارد و با وجود تمایزات آشکار و خصوصیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی آشکاری که می‌توان به‌راحتی ساختهای شهری و روستایی را بر مبنای آن تفکیک کرد، هنوز هم تعاریف جامع، مانع و ثابتی از شهر و روستا توسط مرکز آمار ایران و یا اصولاً تشکیلات عهده‌دار برنامه‌های توسعه کشور ارائه نشده است؛ چنان‌که در آخرین سرشماری انجام شده (۱۳۷۵ ه. ش) در تعریف شهر به عبارت «تمام نقاط دارای شهرداری» اکتفا شده و هرچه غیر از آن است روستا به‌شمار آمده است. از سوی دیگر، این تعاریف در طول زمان نیز ثبات نداشته است، چنان‌که در سرشماری ۱۳۷۰ ه. ش تمام نقاطی که جمعیت بالای پنج‌هزار نفر داشته‌اند شهر محسوب گردیده‌اند، اعم از اینکه دارا یا فاقد شهرداری باشند. این مسئله در عمل مشکلاتی به‌ویژه در محاسبه سهم جمعیت شهری و روستایی و روند تغییرات آن، پدید می‌آورد. در آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰ در استان اصفهان، شهر ۵۰ تا ۶۰ هزار نفری فولادشهر که یکی از مدرن‌ترین شهرهای جدید ایران و در نزدیکی کارخانه ذوب‌آهن اصفهان است، صرفاً به دلیل دارانبودن شهرداری متناسب با ضوابط وزارت کشور به‌منزله نقطه روستایی سرشماری گردید و در سرشماری ۱۳۷۵ ه. ش به‌مثابه شهر سرشماری شد. این تغییر در تعاریف از شهر و روستا خود می‌تواند تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای را در کل کشور پدید بیاورد.

مطلب دیگر اینکه در بحث شهر و روستا با دو نظام اجتماعی متفاوت سروکار داریم و تنها با یک تقسیم‌بندی اداری و ضوابط ساختگی نمی‌توان شهر و روستا را از یکدیگر تفکیک کرد. بسیاری از نقاط شهری (حتی مراکز شهرستان) هنوز هم دارای بافت اجتماعی - اقتصادی روستایی با معیشت غالب کشاورزی و دامداری هستند و اگر ملاک تقسیم‌بندی، نظامهای اجتماعی - اقتصادی باشد، می‌توان این نقاط را در چهارچوب تقسیم‌بندی روستایی موردنظر قرار داد. در جدول ۳، روند تغییر در نامگذاری آبادیها طی سرشماریهای مختلف و عدم ثبات تعاریفی که بر مبنای آن این نام‌گذاریها صورت گرفته است مشاهده می‌گردد.

جدول ۳: روند تغییر در نامگذاری آبادیها طی دوره‌های سرشماری

سال سرشماری		نوع آبادی					
		۷۵	۷۰	۶۵	۵۵	۴۵	
				x			خالی از سکنه دائمی
				x	۰		خالی از سکنه موسمی
					x	x	ده
x	x						ده غیر مسکونی
x	x						ده مسکونی
x	x						ده مسکونی موسمی
x	x	x	x			x	شهر
x	x	x	x			x	گزارش نشده
			x			x	مزرعه تابع
x	x	x					مزرعه غیر مسکونی
			x			x	مزرعه مستقل
x	x	x					مزرعه مسکونی
x	x						مزرعه مسکونی موسمی
			x				مسکونی دائمی
			x				مسکونی موسمی
			x			x	مکان تابع
x	x	x	x				مکان غیر مسکونی
			x			x	مکان مستقل
x	x	x	x				مکان مسکونی
x	x						مکان مسکونی دائمی
x	x						مکان مسکونی موسمی
x	x						نقطه فرعی

### ۴-۳- مهاجرت روستایی

یکی از عواملی که در تصورات رایج مربوط به کاهش سهم جمعیت روستایی به مثابه مهم‌ترین عامل کاهش جمعیت روستایی قلمداد می‌گردد مهاجرت از روستا به شهر است. نگاهی به توزیع جمعیت بین مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد که سهم جمعیت روستایی از ۶۸/۶ درصد در سال ۱۳۳۵ ه. ش به ۳۸/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ ه. ش رسیده است (جدول ۴).

جدول ۴: توزیع جمعیت بین مناطق شهری و روستایی طی دوره‌های سرشماری

روستایی		شهری		کل کشور		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶۸/۶	۱۳۰۰۱۱۴۱	۳۱/۴	۵۹۵۳۵۶۳	۱۰۰	۱۸۹۵۴۷۰۴	۱۳۳۵
۶۲	۱۵۹۹۴۴۷۶	۳۸	۹۷۹۴۲۴۶	۱۰۰	۲۵۷۸۸۷۲۲	۱۳۴۵
۵۳	۱۷۸۵۴۰۶۴	۴۷	۱۵۸۵۴۶۸۰	۱۰۰	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۳۵۵
۴۵/۷	۲۲۳۴۹۳۵۱	۵۴/۳	۲۶۸۴۴۵۶۱	۱۰۰	۴۹۴۴۵۰۱۰	۱۳۶۵
۴۳	۲۳۶۳۶۵۹۱	۵۷	۳۱۸۳۶۵۹۸	۱۰۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۱۳۷۰
۳۸/۳	۲۳۰۲۶۲۹۳	۶۱/۷	۳۶۸۱۷۷۸۹	۱۰۰	۶۰۰۵۵۴۸۸	۱۳۷۵

مأخذ: سالنامه آماری کل کشور، ۱۳۷۵

آمار مربوط به مهاجرت در کل کشور بر مبنای آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ ه. ش که بر مبنای مهاجران وارد شده محاسبه شده، نشان می‌دهد که تعداد کل مهاجران داخلی طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، ۸۳۹۷۷۶۵ نفر بوده است که حدود ۶۶/۵ درصد از این مهاجرتها مبدأ شهری داشته است (شهر به شهر یا شهر به روستا). بر همین مبنا تنها ۳۳/۵ درصد مبدأ روستایی داشته‌اند که ۱۱/۲ درصد آن نیز مربوط به مهاجرتها روستا به روستا است؛ با توجه به اینکه مهاجرت روستا به شهر ۲۲ درصد از مهاجرتها را شامل می‌شود و در عین حال ۱۸ درصد از مهاجران را مهاجران از شهر به روستا تشکیل می‌دهند (جدول ۵).



جدول ۵: آمار مربوط به کل مهاجران کشور در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ ه. ش

	شهر به شهر	روستا به روستا	شهر به روستا	روستا به روستا	خالص روستا به شهر	کل مهاجران
تعداد	۴۰۶۲۱۷۱	۹۴۳۰۹۵	۱۵۲۲۵۹۴	۱۸۶۹۹۰۵	۳۴۷۳۱۱	۸۳۹۷۷۶۵
درصد	۴۸/۴	۱۱/۲	۱۸/۱	۲۲/۳	۶/۵	۱۰۰

\* در محاسبه درصد خالص مهاجرت‌های روستا به شهر، حاصل جمع ارقام مربوط به مهاجرت‌های شهر به شهر، روستا به روستا و خالص روستا به شهر که ۵۳۵۲۵۷۷ نفر است، به منزله تعداد کل مهاجران مبنای محاسبه قرار گرفته است.  
 مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۷۵.

توجه به ارقام فوق نشان می‌دهد که سهم اصلی مهاجرت‌ها را در کل کشور مهاجرت‌های شهر به شهر تشکیل می‌دهد (۴۸/۴ درصد). در عین حال، هنگام بحث درباره افزایش جمعیت شهرهای بزرگ، ابتدا روستاها به مثابه مراکز افزایش جمعیت شهرهای بزرگ مطرح می‌شود. با توجه به نقش و اهمیت مهاجرت‌های شهر به شهر در افزایش جمعیت شهرهای بزرگ، در ادامه، با بهره‌گیری از امکانات فرهنگ ده‌های ایران، میزان رشد جمعیت سالیانه شهرهای ایران در فاصله سالهای ۷۵-۷۰ ه. ش با توجه به طبقه‌بندی جمعیتی آنها محاسبه شده است تا درک روشن‌تر و مستدلی از این پدیده به دست آید. نتایج حاصل از این محاسبه در جدول ۶، منعکس شده است.  
 اطلاعات موجود در جدول ۶، نکات جالب توجهی را آشکار می‌سازد که در ذیل به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

- از مجموع ۵۷۸ شهر که در سال ۱۳۷۵ ه. ش سرشماری شده‌اند و در آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰ ه. ش نیز گزارش جمعیتی آنها ارائه گردیده است، ۸۱ شهر (۱۴ درصد) دارای رشد منفی بوده‌اند، ۷۶ شهر (۱۳ درصد) رشد سالیانه‌ای بین صفر تا یک درصد داشته‌اند و ۱۲۷ شهر (۳۰ درصد) نیز دارای رشد سالیانه‌ای بین ۱ تا ۲ درصد بوده‌اند. این در حالی است که رشد جمعیت شهری در فاصله سالهای ۷۰ تا ۷۵ به‌طور متوسط سالیانه ۲/۹ درصد بوده است.
- به‌طور کلی ۳۶۹ شهر (۶۴ درصد) دارای رشد سالیانه جمعیت زیر ۲/۹ درصد بوده‌اند که از متوسط رشد جمعیت شهری کشور پایین‌تر است.



به طور کلی، ارقام جدول ۶، حاکی از این است که سهم عمده‌ای از شهرهای کشور دارای رشد منفی و یا ضعیفی هستند که نمایانگر مهاجرت فرستی این نقاط شهری است و از آنجا که سهم عمده این شهرها را نقاطی تشکیل می‌دهند که دارای جمعیتی زیر ۲۰ هزار نفر هستند، می‌توان نتیجه گرفت که جریان اصلی مهاجرت در کشور از سوی شهرهای کوچک به سوی شهرهای بزرگ است.

در عین حال، به نظر می‌رسد با توجه به روند کاهش جمعیت روستایی طی دوره‌های سرشماری آمارهای ارائه شده درباره مهاجرت‌های روستا - شهری در جدول ۵، نیز با روند و واقعیتهای موجود در جامعه روستایی همخوانی نداشته و میزان مهاجرت روستا - شهری از ارقامی که در جدول فوق منعکس گردیده است بیشتر باشد. بر مبنای تفاضل مهاجرت‌های روستا به شهر و شهر به روستا، خالص مهاجرت از روستا به شهر تنها ۶/۵ درصد از مجموع مهاجرت‌ها را به خود اختصاص می‌دهد و رقم مربوط به تعداد مهاجران خالص روستا - شهری (۳۴۷۳۱۱) اصولاً قابل قیاس با حجم جمعیت کاسته از روستا در فاصله این ده سال نیست. به عبارت دیگر، در حالی که میزانهای حیاتی افزایش دهنده جمعیت نظیر میزان مولید، میزان باروری عمومی و میزان ناخالص تجدید نسل به طور آشکاری در مناطق روستایی در حد بالاتری در مقایسه با مناطق شهری قرار دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷)، چنانچه مهاجرت روستا - شهری تا این حد اندک باشد، می‌بایست نرخ رشد جمعیت بالاتری در روستاها در مقایسه با مناطق شهری (به‌رغم تأثیر همه عوامل ذکر شده قبلی در این گزارش) داشته باشیم. از این رو، آمار مهاجرت‌های ذکر شده که در تمام موارد برحسب مهاجران وارد شده محاسبه می‌شود و اغلب طی دوره‌های سرشماری نیز در تعاریف و معیارهای آن تغییراتی به وجود آمده است (زنجانی، ۱۳۷۹، ۸۰-۵۱)، چندان قابل اطمینان نیست.

از این رو، برای اینکه به آماری قابل اتکا و نزدیک به واقعیت از مهاجرت روستایی دست بیابیم، ناچار از پیش‌بینی مهاجرت‌های انجام‌گرفته بر مبنای شاخصهای حیاتی جمعیتی و در قالب نرخ رشد طبیعی جمعیت روستایی هستیم.

در عمل استفاده از این روش نیز با محدودیتهایی مواجه است. در سرشماری ۱۳۶۵ ه. ش

به اعتقاد صاحب‌نظران جمعیت‌شناسی (زنجانی، ۱۳۷۹، ۸۰-۵۱). به‌ویژه درباره جمعیت روستایی اضافه‌شماری صورت گرفته و میزانهای مربوط به روستا، بالاتر از حد معمول خود نشان داده شده است. موضوع مهم دیگر این است که بر مبنای اطلاعات موجود، شاخصهای حیاتی جمعیت (موالید و مرگ‌ومیر) روندی به‌شدت کاهشی را به‌خصوص درباره موالید در طول دوره ۶۵-۷۵ طی کرده است، چنان‌که میزان موالید روستایی از ۵۱/۲ در هزار در سال ۱۳۶۵ ه. ش به ۲۳/۴ در هزار در سال ۱۳۷۵ ه. ش رسیده است. همچنین میزان موالید کل کشور از ۴۹/۶ در هزار به ۲۰/۵ در هزار رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷). از این رو، با توجه به در دسترس بودن آمار مربوط به جمعیت و نیز شاخصهای حیاتی فوق در سال ۱۳۷۰ ه. ش که در میانه این دهه قرار می‌گیرد و تغییر و تحولات مربوط به کل دهه را نیز منعکس می‌کند، به‌طور کلی در دو مقطع زمانی به پیش‌بینی جمعیت روستایی و محاسبه جمعیت جداشده از روستاها می‌پردازیم.

در ابتدا، با استفاده از نرخ رشد طبیعی جمعیت روستایی در دوره ۶۵-۷۰ و با مینا قراردادن جمعیت روستایی ۱۳۶۵ ه. ش جمعیت در انتهای دوره (۱۳۷۰ ه. ش) برآورد می‌شود، سپس با تفاضل جمعیت پیش‌بینی شده از جمعیت واقعی روستایی در ۱۳۷۰ ه. ش، جمعیت جداشده از روستا برآورد می‌گردد. سپس همین محاسبه با استفاده از نرخ رشد طبیعی در فاصله سالهای ۷۰-۷۵ و بر مبنای جمعیت روستایی ۱۳۷۰، برای سال ۱۳۷۵ ه. ش انجام می‌پذیرد. نتایج حاصل از این محاسبه در جدول ۷، منعکس شده است.

جدول ۷: برآورد منابع کاهش جمعیت روستایی در فاصله سالهای ۶۵-۷۰ و ۷۰-۷۵

دوره زمانی	نرخ رشد طبیعی روستایی	جمعیت در انتهای دوره	برآورد با جمعیت جداشده از روستا در انتهای دوره									
			نرخ رشد طبیعی		کل		تبدیل به شهر		ادغام در شهر		مهاجرت به شهر	
			درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۶۵-۷۰	۳/۱	۲۳۶۳۶۵۹۱	۲۶۰۳۵۰۴۰	۲۳۹۸۴۴۹	۱۰۰	۸۸۹۹۵۴	۳۷/۱	۲۰۹۳۹۱	۸/۷	۱۲۹۹۱۰۳	۵۴/۱	
۷۰-۷۵	۲/۱	۲۳۰۲۶۲۹۳	۲۶۲۲۴۸۸۲	۳۱۹۸۵۸۹	۱۰۰	۵۹۶۶۸۳	۱۸/۷	۶۸۱۷۲۷	۴۱/۳	۱۹۴۰۱۷۸	۶۰	
جمع	-	-	-	۵۵۹۷۰۳۸	۱۰۰	۱۴۸۶۶۳۶	۲۶/۶	۸۹۱۱۱۸	۱۵/۹	۳۲۱۹۲۸۲	۵۷/۵	

بر مبنای مفروضات جمعیت‌شناسی، چنان‌چه برون‌کوچی و درون‌کوچی را از فرمول محاسبه رشد جمعیت خارج کنیم و میزان مرگ‌ومیر و میزان زادوولد و نیز جمعیت میانه سال را در اختیار داشته باشیم، می‌توانیم نرخ رشد طبیعی جمعیت را به دست آوریم (امانی، ۱۳۷۷) و بر مبنای آن به پیش‌بینی جمعیت براساس نرخ رشد طبیعی جمعیت بپردازیم.

در مقطع زمانی ۶۵-۷۰ با احتساب متوسط رشد طبیعی جمعیت (۳/۱ درصد) در فاصله سالهای ۶۵-۷۰، در انتهای دوره، جمعیت روستایی کشور بیش از ۲ میلیون نفر کمتر از جمعیتی است که بر مبنای رشد طبیعی می‌بایست داشته باشد که ۹/۲ درصد از جمعیت پیش‌بینی شده سال ۱۳۷۰ ه. ش را دربرمی‌گیرد. چنانچه ارقام مربوط به ادغام روستاها در شهر (جدول ۱) و نیز تبدیل روستاهای بزرگ به شهر (جدول ۲) را از آن کسر کنیم، ۵ درصد کمتر از جمعیتی است که با رشد طبیعی باید داشته باشد و احتمالاً در اثر مهاجرت روستا - شهری در فاصله سالهای ۶۵-۷۵ کاسته شده است.

همچنین از مجموع جمعیت جداشده از روستا طی سالهای ۶۵-۷۰، بالغ بر ۵۴/۱ درصد را مهاجران روستا - شهری تشکیل می‌دهند و ۳۷/۱ درصد نیز به تبدیل روستاها به شهر و ۸/۷ درصد به ادغام روستاها در شهر مربوط می‌شود. این در حالی است که در دوره ۷۵-۷۰ و براساس متوسط نرخ رشد طبیعی جمعیت روستایی در سالهای ۷۵-۷۰ (۲/۱ درصد) جمعیت روستایی در سال ۱۳۷۵ ه. ش معادل ۲۶۲۲۴۸۸۲ نفر پیش‌بینی می‌شود. حال چنانچه این رقم را با جمعیت روستایی سرشماری شده در سال ۱۳۷۵ ه. ش مقایسه کنیم، می‌بینیم که نزدیک به ۱۲/۲ درصد کمتر از حد رشد طبیعی است. با در نظر گرفتن مجموع ارقام مربوط به دو دوره ۶۵-۷۰ و ۷۵-۷۰ که در جدول ۷، محاسبه گردیده است، به‌طورکلی در فاصله سالهای ۶۵-۷۵ بیش از ۵/۵ میلیون نفر از جمعیت روستایی جدا شده است و از مجموع جمعیت جداشده از مناطق روستایی به‌صورت تقریبی ۵۷/۵ درصد را مهاجران روستا - شهری تشکیل می‌دهند، ۱۵/۹ درصد در اثر ادغام روستاها در شهرها از جمعیت روستایی کاسته شده است و ۲۶/۶ درصد نیز به روستاهایی اختصاص دارد که به شهر تبدیل شده‌اند. این در حالی است که رقم خالص مهاجرت روستا - شهری طی سالهای ۶۵-۷۵ بر مبنای آمار ارائه‌شده توسط مرکز آمار

ایران (جدول ۵) تنها ۱/۳ درصد از جمعیت پیش‌بینی‌شده برای سال ۱۳۷۵ ه. ش را دربرمی‌گیرد، در حالی که رقم برآوردشده مهاجرت روستایی، تنها جهت دوره ۵ ساله ۷۵-۷۰ پیش از ۷/۳ درصد از جمعیت پیش‌بینی‌شده سال ۱۳۷۵ ه. ش است که حاکی از عدم پوشش آمارهای رسمی بر ارقام مهاجران است. البته سایر منابع خطا نظیر تغییر در تعاریف سرشماری نیز در برخی مواقع تأثیرات مهمی در جابه‌جایی سهم جمعیتی روستایی داشته است (زنجانی، ۱۳۷۹، ۸۰-۵۱) (جدول ۷).

نکته قابل ذکر در اینجا این است که اگرچه پیش‌بینی‌های انجام‌گرفته و مبناهای محاسباتی و مقایسه‌ای آن اعم از جمعیت سالهای ۶۵ و ۷۰ و نیز میزانهای حیاتی مورد استفاده قابل انتقاد و اشکال است، ولی در کل تصویری نزدیک به واقع و منطقی‌تر از وضعیت مهاجرت روستایی که منطبق بر واقعیت‌های امروز جامعه روستایی است، به دست می‌دهد.

#### ۴- تحولات جمعیت روستایی طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ ه. ش

چنان‌که در قسمت‌های قبلی نیز بیان شد، تأثیر عواملی نظیر ادغام روستاها در شهر، تغییر در تعاریف سرشماری و... امکان بررسی‌های دقیق را در ارتباط با روندهای موجود در جمعیت روستایی دشوار می‌کند. در اینجا سعی می‌کنیم با بهره‌گیری از امکانات فرهنگ ده‌های ایران نگاهی دقیق‌تر به روند رشد جمعیت مهاجرت روستایی بیندازیم. برای این منظور، در ابتدا روستاهایی که در فاصله چهار سرشماری ۴۵، ۵۵، ۶۵ و ۷۵ ه. ش گزارش شده‌اند و همواره دارای جمعیت بوده‌اند جدا شدند که شامل ۵۷۱۰۶ روستا در کل کشور هستند. سپس جمعیت کل این روستاها در هر سال محاسبه شد و با استفاده از شاخصهای موجود مربوط به میزان مرگ‌ومیر و میزان مولید در فاصله سالهای ۵۲ تا ۷۵ ه. ش (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷) نرخ افزایش طبیعی جمعیت برای هر دوره محاسبه گردید. سپس بر مبنای نرخ رشد طبیعی، جمعیت مورد انتظار برای هر دوره محاسبه شد. تفاوت جمعیت واقعی و جمعیت پیش‌بینی‌شده پتانسیل مهاجرت را در هر دوره نشان می‌دهد. نتایج حاصل از این محاسبات در جدول ۸، منعکس گردیده است.

## جدول ۸: بررسی وضعیت روستاهایی که در سرشماریهای

۴۵، ۵۵، ۶۵ و ۷۵ هـ. ش همواره جمعیت داشته‌اند

درصد کسری جمعیت	تفاضل جمعیت واقعی و پیش‌بینی	پیش‌بینی براساس نرخ رشد طبیعی	نرخ رشد طبیعی	نرخ رشد مطلق	کل جمعیت	
-	-	-	-	-	۱۳۱۶۴۲۵۵	۱۳۴۵
۱۵/۳	۲۸۰۵۸۲۷	۱۸۲۸۷۸۸۲	۳/۶۲	۱/۶	۱۵۴۸۲۰۵۵	۱۳۵۵
۱۱/۴	۲۶۰۴۹۶۱	۲۱۸۴۶۳۲۲	۳/۷۲	۲/۲	۱۹۲۴۱۳۶۱	۱۳۶۵
۱۶/۶	۴۰۲۸۲۸۵	۲۴۳۳۴۱۴۶	۲/۶۴	۰/۵	۲۰۲۹۵۸۶۱	۱۳۷۵

مأخذ: بانک اطلاعات رایانه‌ای فرهنگ ده‌های ایران

این جدول نکات قابل توجهی را به شرح زیر ارائه می‌کند:

۱- نرخ رشد مطلق جمعیت این روستاها در فاصله سالهای ۵۵ تا ۶۵ هـ. ش روندی افزایشی نسبت به دهه قبل داشته است (۲/۲ در مقابل ۱/۶ درصد) و این روند در فاصله سالهای ۶۵ تا ۷۵ کاهش قابل ملاحظه‌ای یافته است (۰/۵ درصد).

۲- نرخ رشد طبیعی جمعیت نیز در فاصله سالهای ۵۵ تا ۶۵ روندی افزایشی نسبت به دهه قبل داشته و در فاصله سالهای ۶۵ تا ۷۵ روند کاهشی یافته است. با توجه به اینکه وضعیت شاخصهای بهداشتی و درمانی عموماً بهبود یافته و مرگ‌ومیر نیز کاهش پیدا کرده است، این امر حاکی از کاهش میزان مولید و باروری در مناطق روستایی است.

۳- توجه به ارقام مربوط به تفاوت جمعیت پیش‌بینی شده براساس نرخ رشد طبیعی و جمعیت سرشماری شده در هر سال نشان می‌دهد که بیشترین درصد کاهش جمعیت روستایی از این دسته از روستاها در فاصله سالهای ۶۵ تا ۷۵ صورت پذیرفته است (۱۶/۶ درصد) و این مسئله نمایانگر شدت گرفتن روند مهاجرت روستا- شهری در فاصله این سالهاست. در ارتباط با این روند چند نکته حائز اهمیت است:

الف - به‌رغم ثابت ماندن نسبی نرخ رشد طبیعی جمعیت در فاصله سالهای ۶۵-۵۵ نسبت به دهه قبل از آن (۴۵-۵۵ هـ. ش)، سرعت کاهش جمعیت روستاها در مقایسه با دهه قبل کندتر

شده و نمایانگر کاهش مهاجرت‌های روستا - شهری در مقایسه با دوره مشابه قبلی است و این امر را می‌توان نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی، زیربنایی و خدماتی نظیر راه، برق، مخابرات، مدارس و سایر سرمایه‌گذاریها در روستاها دانست که موجب نگهداشت بخشی از جمعیت روستاها و عدم تخلیه روستاها با روندهای شدیدتر پیشین گردیده است.

ب - در عین حال، روند کاهشی جمعیت روستایی در دهه ۶۵-۷۵ ه. ش رشد فزاینده‌ای یافته و به ۱۶/۶ درصد طی این دوره رسیده که بیشترین میزان حتی در مقایسه با پیش از انقلاب است. در زمینه تبیین این پدیده این توضیح لازم است که به‌رغم سرمایه‌گذاری‌های قابل ملاحظه عمرانی و زیربنایی در مناطق روستایی، برخی از شاخصهای کلان اقتصادی که عمدتاً در قالب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه به آن پرداخته می‌شود و نیز برخی از سرمایه‌گذاریها به نحو عادلانه‌ای میان شهر و روستا توزیع نشده است. برای نمونه، بررسی توزیع فرصتهای شغلی بین سالهای ۶۵-۷۵ ه. ش نشان می‌دهد که ۷۹/۴ درصد از فرصتهای شغلی در مناطق شهری و تنها ۲۰/۶ درصد آن در مناطق روستایی بوده است. توزیع یارانه‌های پرداختی نیز ۷۸ درصد شهری و ۱۳ درصد روستایی بوده است. وضعیت دیگر شاخصها نیز در بیشتر موارد حاکی از این عدم تعادل بین شهر و روستاست.<sup>۴</sup> در چنین شرایطی، طبیعی است که با افزایش میزان ارتباطات بین شهر و روستا و افزایش سطح آگاهی روستاییان و امکان مقایسه فرصتها در شهر و روستا، شاهد افزایش مهاجرت به‌مثابه یک سازوکار متعادل‌کننده و نیز یک راهبرد بقا برای روستاییان باشیم.

در عین حال، برخی از صاحب‌نظران نیز بالا بودن نرخ رشد جمعیت در دهه ۶۵-۷۵ ه. ش را ناشی از خطاهای آماری می‌دانند و منابع آن را نیز تغییر تعریف شهر، پناهندگان افغانی و تغییر در تعریف خانوار دسته‌جمعی ذکر می‌کنند (زنجانی، ۱۳۷۹، ۸۰-۵۱). با وجود این، داده‌های بازسازی‌شده حاصل از احتساب سهم نسبی منابع خطا نیز روندهای کلی محاسبه‌شده در جدول ۸، را تأیید می‌کند.

به‌طور کلی، با توجه به آمار مهاجرت ارائه‌شده از سوی مرکز آمار ایران و نیز محاسبات انجام‌شده بر مبنای رشد طبیعی جمعیت روستایی می‌توان چنین نتیجه گرفت:



۱- با توجه به بالابودن نرخ رشد طبیعی جمعیت در مناطق روستایی، در مقایسه با مناطق شهری که از طریق مشاهده میزانهای حیاتی جمعیت نیز مشهود است (جدول ۶)، انتظار می‌رود که جمعیت روستایی به مراتب از مقدار موجود بیشتر باشد و عدم تحقق این امر نمایانگر تأثیر عواملی غیر از زاد و تولد و مرگ و میر بر رشد جمعیت روستایی و کاهش این رشد است.

۲- پیش‌بینی جمعیت براساس میزانهای حیاتی و بر مبنای دو دوره زمانی محاسبه شده حاکی از این است که جمعیت موجود روستایی کشور بین ۹ تا ۱۲ درصد کمتر از جمعیتی است که براساس رشد طبیعی می‌بایست باشد (جدول ۷).

۳- عدم تطابق آمار رسمی مرکز آمار درباره مهاجرت با پیش‌بینیهای انجام گرفته و نیز واقعیت‌های موجود جامعه روستایی حاکی از عدم پوشش وضعیت موجود مهاجرت روستایی توسط آمارهای رسمی است.

۴- بررسی وضعیت روستاهایی که همواره طی سرشماریهای مختلف گزارش شده و دارای جمعیت بوده‌اند حاکی از این است که روند مهاجرت از روستا به شهر طی سالیان اخیر شدت بیشتری یافته است (جدول ۸).

۵- بررسی منابع کاهش جمعیت روستایی با استفاده از بانک اطلاعات فرهنگ ده‌های ایران حاکی از این است که بین ۴۰ تا ۴۶ درصد از کاهش جمعیت روستایی در اثر ادغام روستاها در شهر و نیز تبدیل روستاهای کوچک به شهر است و ۵۴ تا ۶۰ درصد از این کاهش را می‌توان ناشی از مهاجرت روستا - شهری قلمداد کرد.

به‌رغم عدم پوشش کامل آمارهای مهاجرت مرکز آمار ایران در زمینه مهاجرت‌های روستا - شهری، اگر این واقعیت را بپذیریم که این آمار بخشی از مهاجرت‌های انجام گرفته را پوشش می‌دهد و با توجه به در دسترس بودن ساخت سنی مهاجران سرشماری شده در کل کشور، توجه به برخی نکات در این زمینه درخور توجه است:

- بر طبق نظریات موجود در روند توسعه اجتماعی - اقتصادی به تدریج سهم عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری به مهاجرت در مقایسه با عوامل اقتصادی افزایش پیدا می‌کند. نگاهی به ساخت سنی مهاجران روستا - شهری در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ ه. ش

نشان می‌دهد گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال بالاترین سهم را در مهاجران روستا - شهری به خود اختصاص می‌دهند که این امر می‌تواند حاکی از مهاجرت‌های خانواری به شهر با هدف تحصیلات فرزندان در سطوح راهنمایی و بالاتر باشد و تحقیقات میدانی انجام شده در روستاها نیز این مطلب را تأیید می‌کند. شایان ذکر است که ساخت سنی مهاجران روستا به شهر به‌طور کلی تشابه قابل ملاحظه‌ای با ساخت سنی جمعیت روستایی دارد.

- در همین حال، توجه به ساخت سنی مهاجران شهر به شهر نشان می‌دهد که در این گروه از مهاجران بیشترین سهم را جوانان ۲۰ تا ۲۴ ساله به خود اختصاص می‌دهند که احتمالاً نمایانگر مهاجرت جوانان جویای کار از شهرهای کوچک به سمت شهرهای بزرگ است. همچنین گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله نیز در رده دوم قرار می‌گیرد (نمودار ۱).

- از سوی دیگر، توجه به آمار موجود درباره مقایسه مهاجران روستا به روستا با مهاجران شهر به روستا نشان می‌دهد که مهاجرت روستا به روستا صرف‌نظر از ساخت جنسیتی جمعیت و با توجه به ساخت سنی جمعیت روستایی، تقریباً تابعی از ساخت سنی کلی است، در حالی که توجه به مهاجران از شهر به روستا نشان می‌دهد که گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله بیشترین سهم را در مهاجرت‌های شهر به روستا دارند و رتبه دوم نیز متعلق به گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ ساله است (مرکز آماري ايران. ۱۳۷۵). سهم قابل ملاحظه جمعیت جوان در مهاجرت‌های شهر به روستا نمایانگر مهاجرت‌های برگشتی از شهر به روستا است که احتمالاً به دنبال عدم توفیق در یافتن کار و فعالیت مناسب صورت می‌پذیرد (نمودار ۲).

## ۵- نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده، موارد ذیل قابل ذکر است:

- به‌طورکلی، میزان ارتباطات و جابه‌جایی جمعیتی متأثر از تغییر و تحولات توسعه‌ای در کل کشور افزایش یافته است؛ حجم بالای مهاجرت‌های انجام‌گرفته در کل کشور اعم از شهر به شهر، روستا به شهر، شهر به روستا و روستا به روستا مؤید این مسئله است. از سوی دیگر، حجم مهاجرت از روستا به شهر آن‌چنان که در افکار عمومی انعکاس یافته است، به‌مثابه تنها

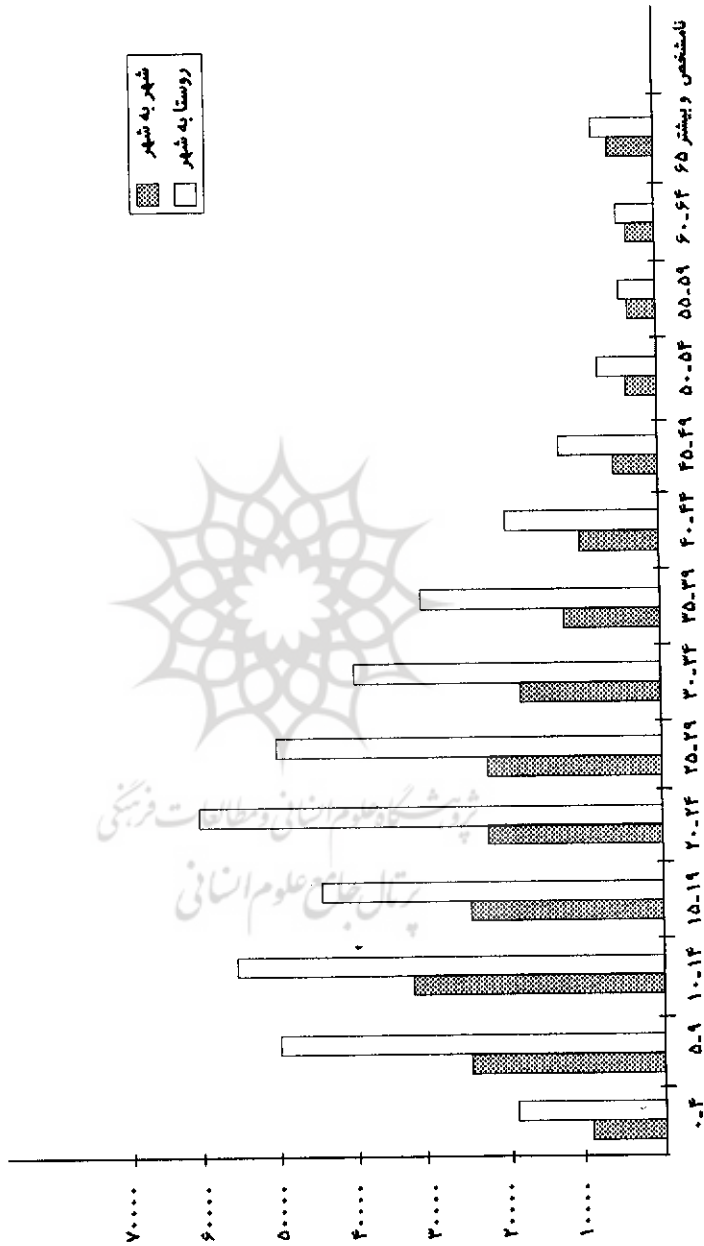
عامل کاهش جمعیت روستایی مطرح نیست.

● حجم اصلی مهاجرت‌های انجام‌گرفته در کل کشور دارای منشأ شهری است (جدول ۵) و ۴۸/۴ درصد از مهاجرت‌ها شهر به شهر است. از سوی دیگر، بررسی نرخ رشد جمعیت و طبقات جمعیتی شهرها (جدول ۶) نشان می‌دهد جریان اصلی مهاجرت نیز از سمت شهرهای کوچک به سوی شهرهای بزرگ‌تر است.

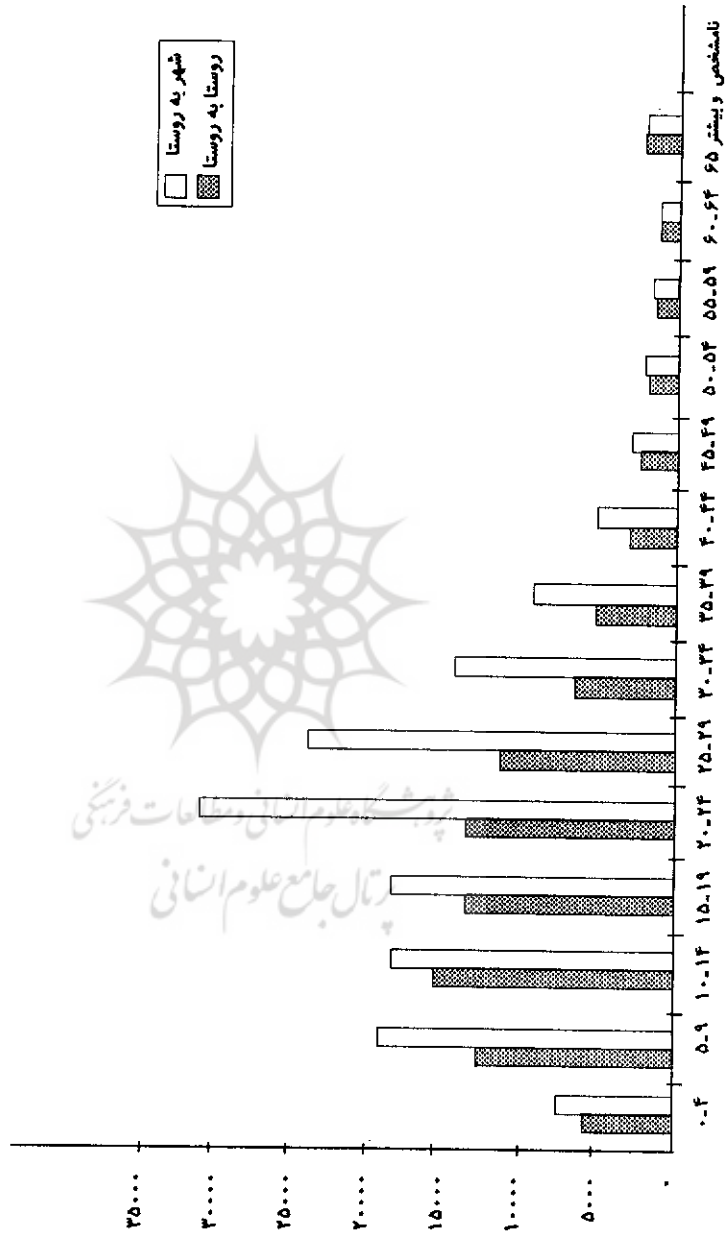
● با توجه به مباحث نظری مهاجرت، هم‌اینک بسیاری از عوامل مهاجرت را عوامل اجتماعی تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، عوامل اجتماعی که عمدتاً در اثر پاسخ مثبت در مقصد مهاجرت پدید می‌آیند، نقش عمده‌ای را در مهاجرت روستا به شهر بازی می‌کنند. از این رو، کمبود و یا نبود امکانات در روستاها در درجهٔ دوم اهمیت قرار می‌گیرد و جاذبه‌های کاذب یا واقعی موجود در شهرهاست که نقش اساسی را در مهاجرت به شهرها ایفا می‌کند.

● توجه به روندهای موجود دربارهٔ کاهش جمعیت روستایی طی سه دههٔ اخیر نشان می‌دهد میزان مهاجرت‌های روستایی در اولین دههٔ بعد از انقلاب اسلامی کاهش و در دههٔ دوم شدت یافته است این نکته حاکی است سرمایه‌گذارهای عمرانی، زیربنایی و خدماتی در روستاها از حجم مهاجرت رو به افزایش کاسته است، ولی عدم تناسب سرمایه‌گذارهای شهری - روستایی در دههٔ اخیر موجب افزایش نسبی شدت مهاجرت روستایی نسبت به دههٔ قبل شده است. در عین حال، این شدت مهاجرت بر مبنای محاسبات انجام‌گرفته بین ۱ تا ۲ درصد در سال است، که در مقایسه با روندهای موجود مهاجرت روستا - شهری در کشورهای در حال توسعه و نیز کشورهای آسیایی، در حد پایینی قرار دارد. مقایسهٔ سهم مهاجرت‌های روستا - شهری و تبدیل روستاها به شهر و ادغام روستاها در شهر میان کشورهای آسیا و اقیانوسیه با ایران نشان می‌دهد در حالی که این امر در ایران ۱۸/۶ درصد از کل میزان رشد سالیانه را تشکیل می‌دهد، رقم مربوط به متوسط تمامی مناطق آسیا و اقیانوسیه شامل اسکاپ (۵۹/۳ درصد)، آسیای شرقی (۷۲ درصد)، آسیای جنوب شرقی (۵۵/۱ درصد)، آسیای جنوبی (۴۵/۶ درصد) و اقیانوسیه (۲۵/۲ درصد) نرخ بالاتری از مهاجرت روستا - شهری را در مقایسه با ایران نشان می‌دهد (زنجانی، ۱۳۷۹).

نمودار ۱: مقایسه مهاجران روستا به شهر با مهاجران شهر به شهر به تفکیک گروههای سنی در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ ه. ش.



نمودار ۲: مقایسه مهاجران روستا به روستا در مقایسه با مهاجران شهر به روستا به تفکیک گروه‌های سنی در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ ه. ش.



● مهاجرت‌های روستایی فی‌نفسه پدیده‌ای منفی نیست و واکنشی ارگانیک به تغییرات در نظام اجتماعی است. بنابراین نگرش منفی به آن و یا تلاش در جهت متوقف کردن آن بی‌هوده است. چاره اصلی باید در جهت ایجاد تعادل در نظام اجتماعی از طریق سازوکارهای ایجاد تعادل در امکانات شهر و روستا و کاهش رشد جمعیت و فشار بر منابع موجود باشد.

● درباره این موضوع که آیا واقعاً جمعیت روستایی در حال کاهش است و علل و عوامل آن چیست، چند بحث مطرح گردید:

۱. اصولاً بخشی از تغییرات موجود در جمعیت شهری و روستایی و کاهش و افزایش سهم

نسبی هرکدام، در اثر تغییر در تعاریف از شهر و روستا توسط مرکز آمار ایران است.

۲. صرف‌نظر از تعاریف ارائه‌شده از سوی مرکز آمار ایران، بسیاری از نقاطی که به منزله شهر

یا روستا سرشماری شده‌اند به لحاظ کارکردهای اجتماعی - اقتصادی شهر یا روستا محسوب نمی‌گردند. در برخی از موارد، نقاط جمعیتی که اصولاً شهر هستند به‌مثابه روستا سرشماری شده‌اند و در مقابل نیز برخی از نقاط به‌رغم داشتن ماهیتی روستایی، تنها به دلیل افزایش جمعیت تبدیل به شهر شده‌اند.

۳. تبدیل نقاط مستعد روستایی به شهر و ادغام روستاها در شهرهای کوچک و بزرگ یکی از

منابع مهم کاهش سهم جمعیت روستایی در مقایسه با جمعیت شهری است و بر مبنای برآورد انجام‌گرفته ۱۹ تا ۳۷ درصد از کاهش جمعیت روستایی در فاصله سالهای ۶۵-۷۵ در اثر این دو عامل صورت گرفته است (جدول ۷).

از سوی دیگر، چنان‌که به مهاجرت از زاویه یک راهبرد به‌منظور بقا و استمرار معیشت نگاه کنیم و توجه داشته باشیم که افراد با وقوف به وضعیت خود و پس از مقایسه آن با فرصتها و تهدیدهای موجود، راهبرد مناسب را که از دید آنان همان مهاجرت باشد، انتخاب می‌کنند، در آن صورت نیز مسائلی نظیر بهبود نسبی وضعیت رفاهی یا تشدید فقر در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد.

اگرچه ممکن است در نگاه نخست احداث تأسیسات زیربنایی نظیر جاده‌های ارتباطی، خطوط انتقال نیرو و گسترش ارتباطات در تمامی ابعاد آن، عامل تشدیدکننده مهاجرت تلقی گردد، از این نکته نیز نباید غفلت کرد که رسیدن به سطح بالاتری از توسعه بدون بهبود در

تأسیسات زیربنایی امکان‌پذیر نیست. مسئله اساسی ایجاد تعادل در کل سیستم اجتماعی و به دنبال آن تعادل در سیستم روستایی - شهری است، به نحوی که هر خانوار روستایی در مجموع به این نتیجه برسد که ماندن در روستا تضمین‌کننده استمرار معیشت و بقای خانواده و پاسخگوی نیازهای آن در ابعاد گوناگون است. بنابراین ایجاد یا بهبود تأسیسات زیربنایی در جهت رسیدن به توسعه امری ضروری است، و روندهای موجود طی دهه‌های اخیر نمایانگر این است که این سرمایه‌گذارها از شدت مهاجرت روستایی نسبت به سالیان پیش از انقلاب کاسته است؛ ولی مسئله اصلی این است که همراه با این سرمایه‌گذاریهای عمرانی و زیربنایی در سطح روستا، در سطح کل نظام اقتصادی و اجتماعی نیز تعادل سرمایه‌گذاری وجود داشته باشد، وگرنه این روند مهاجرت همچنان ادامه خواهد یافت.

### پی‌نوشت

۱- مطالب این بخش از منبع زیر اقتباس و تلخیص شده است:

M.C. Howard and J.E. King (1975). *The Political Economy of Marx*. pp. 98-99.

۲- برای آشنایی بیشتر رجوع کنید به:

اکیل ال. مابوگنجی. (۱۳۶۸). «رهیافت سیستمی در مورد یک نظریه مهاجرت روستا به شهر». ترجمه حمید

خضر نجات. ویراستار: عبدالملی لهسایی زاده. *نظریات مهاجرت*. شیراز. نوید.

۳- «بانک اطلاعات فرهنگ ده‌های ایران» یک بسته نرم‌افزاری است که با تلاش کارشناسان مرکز تحقیقات و

بررسی مسائل روستایی تهیه شده و دربرگیرنده تمامی اطلاعات در دسترس روستاهاست که با استفاده از نتایج سرشماریهای مختلف از سال ۱۳۳۵-۱۳۷۵ ه. ش و نیز سرشماریهای کشاورزی، صنعت و معدن، شیلات، کارگاه‌های صنعتی و تولیدی، فعاليتها و... در قالب بانک اطلاعات کامپیوتری گردآوری شده است. اطلاعات این بانک تا سطح روستا قابل دسترسی است و انواع گزارشها، جداول، نمودارها و تحلیلهای آن قابل استحصال است.

۴- معاونت برنامه‌ریزی و امور مجلس، وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۸).

## منابع و مآخذ

### الف - فارسی

- امانی. مهدی (۱۳۷۷). *مبانی جمعیت‌شناسی*. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ایمان. محمدتقی (۱۳۷۵). «نگاهی به مهاجرت از دیدگاه کارکردگرایی و اقتصاد سیاسی». *همشهری*. سال چهارم. شماره ۹۴۵.
- زنجانی. حبیب‌الله (۱۳۷۹). «روستا، جمعیت و توسعه». *فصلنامه روستا و توسعه*. سال سوم. شماره ۳ و ۴.
- فرشاد. مهدی (۱۳۶۲). *نگرش سیستمی*. تهران. امیرکبیر.
- کوششی. مجید (۱۳۶۹). *نگرش سیستمی در مطالعه مهاجرت*. تهران. دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی.
- مابوگنجی. اکین ال (۱۳۶۸). «رهیافت سیستمی در مورد یک نظریه مهاجرت روستا به شهر». *ترجمه حمید خضرنجات*. ویراستار: عبدالعلی لهسایی‌زاده. *نظریات مهاجرت*. شیراز. نوید.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹). *سالنامه آماری کل کشور ۱۳۷۸*. تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹). *سالنامه آماری کل کشور ۱۳۷۵*. تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ - نتایج عمومی کل کشور*. تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷). *نماگرهای جمعیتی ایران ۱۳۷۵-۱۳۳۵*. تهران.

### ب - انگلیسی

- Chatterjee. Lata (1989). "Migration, Housing and Equity in Developing Countries: A Comparative Systems Approach". *Regional Development Dialogue*. Vol.4. No.1.



- Howard. M.C. and King. J.E. (1975). *The Political Economy of Marx*. London: Longman Group Limited.
- George G. Klir (1985). "General Systems Theory". *Adam Kuper and Jessica Kuper (eds), The Social Science Encyclopedia*. London. Routledge and Kegan Paul.
- McPowell C. and Hann A. (1998). *Migration and Sustainable Livelihoods: A Critical Review of the Literature*. IDS. (Working Paper).





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی